

شیطنت گرائی

یا

شیطان پرستی

کدام یک؟

سرشناسه : مرعشی . سید ملک محمد .
 عنوان و نام پدید آورنده : شیطننت گرایایی یا شیطان پرستی . کدام یک؟! تألیف سید ملک محمد مرعشی .
 مشخصات نشر : تهران : راه نیکان ، ۱۳۹۱ .
 مشخصات ظاهری : ۷۸ ص .
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۷۰-۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : شیطان پرستی
 موضوع : شیطان
 رده بندی کنگره : BL ۴۸۰/م۴ : ۱۳۹۱ ش ۹
 رده بندی دیویی : ۱۳۳/۴۲۲
 شماره کتابت ملی : ۲۷۴۹۴۳۸
 تاریخ درخواست : ۱۳۹۱/۰۲/۳
 تاریخ پاسخگویی : ۱۳۹۱/۰۲/۰۷
 کد پیگیری : ۲۷۴۸۵۹۴



نشر راه نیکان

بخش فرق ضاله

شیطننت گرایایی یا شیطان پرستی کدام یک؟

تألیف : سید ملک محمد مرعشی

چاپ اول : ۱۳۹۱ شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۷۰-۸ ISBN : 978-964-2998-70-8

شماره ثبت مجوز : ۱۱۶۴۴۷۵ قیمت : ۲۸۰۰ تومان

سخن ناشر

انسان موجودی اندیشه‌ور است، و همواره با این مولفه‌ی اندیشندگی شناخته شده است. همان بُعدی است که انسان را از غیرانسان جدا می‌سازد و دلیل برتریِ موجودات - اعم از حیوانات و نباتات - می‌شود. اندیشیدن از جمله موهبت‌هایی بود که خداوند سبحان به انسان ارزانی فرمود تا با آن بر زمین حکومت نماید. در واقع، انسان به واسطه‌ی اندیشیدن، به واسطه‌ی اندیشیدن از جمله ابزارهایی است که از جانب باری تعالی به انسان اعطا شد تا به واسطه‌ی آن، کرامت ذاتی انسان تأیید شود؛ با

اعطای موهبت اندیشیدن به انسان، حجت بر او تمام شد. پس اندیشیدن جزو ذاتی انسان است و هرانسانی در حالت طبیعی آراسته به این موهبت خدادادی می‌باشد.

در جامعه ما بعضاً اتفاقی رخ می‌دهد که می‌توان آن را به عنوان خط و خطا، اشتباه یا کوته‌نظری که نتیجه‌اش به انحراف کشاندن فرد و جامعه است معرفی کرد. این اشتباه را که از قضا ریشه سیاسی استعماری دارد از جانب برخی مدعیان به اصطلاح عرفان صورت می‌گیرد، می‌توان در رواج دادن عرفان‌های شکلاتی که امروز مد شده است مورد مطالعه و توجه قرار داده، دقیقاً شناسائی کرد تا به دست آورد این مسلک‌های وارداتی که نوعی شیطننت استعمار است، با عرفان اسلامی، حتی تصوف کاملاً غریبه با اسلام تفاوت دارد؛ که برخلاف عرفان اسلامی مانند تصوف تشکیلاتی با تبعات خطرناک زیادی همراه است.

شیطان‌گرانی در واقع شیطننت پرستی مرسوم و ریشه دار تاریخ نیست، زیرا اگر آنچه از گروهک‌های بی‌بندوباری که به این نام شهرت دارند و بعضاً در جامعه دیده می‌شود سرزند، دلیل بر شیطان‌پرستی باشد، باید گفت این شیطننت‌گرانی است، نه شیطان‌پرستی. که جهت اصالت تاریخی دادن به هرزگی خود، از

نام شیطان استفاده کرده‌اند. به هر روی آنچه قابل توجه و اعتناء می‌باشد، عملکرد این گروه نه فقط جز نام، با شیطان ربطی ندارد، بلکه به هیچ یک از ادیان ابراهیمی مربوط نمی‌شود. لذا اهل دانش و معرفت که قطع مسالک ناسوت نموده‌اند و با ساکنان ستر و عفاف ملکوت به قول حافظ «مستانه پیمانه زده‌اند»

بر آنها خط بطلان کشیده‌اند.

باری به هر نوع آن که با چند روش وارداتی‌اش مواجه‌ایم، هیچ‌گونه سختی به شیطان پرستی تاریخ که در اسلام رواج داده شده، ندارد؛ مانند عرفان‌های شکلاتی که با عرفان نظری و عملی آن هیچ‌گونه شباهتی ندارد. البته اگر شبه عرفان‌های وارداتی در شکل ظاهری با سازگاری ندارند، ولی برای نقش مثبت داشته و مسلماً دارند. چون هردو مسلک برای فریب و به انحراف کشاندن جوانان مسلمان به ایران صادر شده‌اند. همان مضرات شیطان پرستی یا هردار و دسته منحرف را خواهند داشت.

به هر حال ... امروزی برخلاف آنچه که به این نام در تاریخ ریشه دارد، دو دارودسته جداگانه‌اند. زیرا آنچه

امروز به نام شیطان‌پرستی رواج داده‌اند، حاصل تزویرها و خدعه‌های فریب‌دهنده پنهان در آموزه‌های خاص اومانیستی و سکولار است که کاملاً با شیطان‌پرستی تاریخ غریبه می‌باشد؛ شیطان‌پرستی امروزی با مسلک‌های شبه عرفانی و ارداتی مخالف است ولی مردود یک نتیجه را دارا هستند و آن اینست با برجسب عرفان اسلامی به خورد جوانان عزیز ما داده می‌شود. شیطان‌پرستی روزگار ما که افرادی را به فریب و خدعه، تزویر و شیطنت جذب کرده، از اصالت‌های قشنگ ایرانی جدا نموده، مبلغ سیاست‌های سیاه سکولارند غروب است که همواره به نام عرفان اسلامی مشغول بسط و توسعه ایستارهای ضداسلامی استعمار می‌باشد که آن‌ها را به نام عرفان اسلامی به خورد جوانان ناآگاه ما می‌دهند.

شیطان‌پرستی، دیگر حتی ربط و نسبتی با آنچه تاریخ در تعریف شیطان‌پرستی در دل خود ثبت کرده، ندارد؛ این گروه که به غلط شیطان‌پرست معرفی شده‌اند، زیرا سرگرم پرورش شیطنت‌های نفس خود که به شیطنت‌های استعمار شکل خارجی می‌دهد، می‌باشند، نه شیطانِ لعین رجیم، بلکه بهتر است گفته شود شیطان‌پرستان، تابلو تبلیغاتی غروب منفور غریبان اصیل است که

بیشتر به تبلیغات شیطنت‌های استعمار مشغولند، اینان هیچ‌گاه در عصر جدیدند، نه در راه عرفان. شیطان پرستان ولگرد در زمان ما تابلوهای تبلیغاتی موهای سیخ‌سیخ، شلوارهای پاره و لباس‌های ژنده‌اند؛ اینان هرکجای ایران آزاده‌شیهه باشند، به همین اسامی تنفرآور قابل شناسائی هستند و باعث شرمندگی خانواده خود می‌شوند. اینان که بیشتر به نام «مستوفی» در جامعه ما پراکنده‌اند، ویژگی و مولفه‌های اندیشگی جز تابلوهای تبلیغاتی غرب منفور نیستند. ندارند که با مصرف انواع افیون‌های شیمیائی و... و... دچار مستی‌های کاذب شده، به طور کامل در خدمت خواسته‌های حیوانی درآمده، سرگرم و گرفتار خصوصیت‌هایی می‌شوند که کشف و بیان آن فراری هستند.

در انگاره‌ی اینان، همه خوشبختی در همان قیافه مشمترکننده است که حکایت از ... می‌کند و با زبان بی‌زبانی تفهیم می‌کند خواستار برداشتن قید و بندهای شرف و عفت و انسانیت از همه اعضا و جوارح خود است. بر سر آن ... بعد روحانیت و معنویت به کنج محراب‌های مساجد، کلیساها، کنیسه‌ها و پشت دیوار ندبه، فروکاسته می‌شود؛ زیرا از نظر این

دارودسته، مذاهب هیچ جایگاهی در عرصه اجتماعی و سیاسی ندارند. این گروه در هر کجای دنیا که باشند تماماً سعی بر آن دارند تا مدمان اجتماع خودشان را شبیه به خود، در واقع قاتلو تبلیغات مدهای بی‌بندوبار محور سازند، آنچه زمینه‌ساز رواج این بلای خطرناک شده مذهب‌گزینی است که به نام بی‌مسمای «نهضت نوذایی دینی» در اروپا آغاز شد و با تأخیر دو‌یست ساله در دوران قاجار بی‌حال آن را وارد ایران نمودند؛ که مصلحان جان برکف در هر لحظه و هر اقدام ضد اینگونه فتنه‌ها، با سخنرانی و عملکرد خود آنهایی را که بر اثر تبلیغات خود فروخته‌ها راه فساد و تباهی را روش زندگی نموده‌اند توجه داده‌اند.

به گیتی مزین جز به نیکی نفس قدم زن تو در راه نیکان و بس تا از گرفتار شدن به دام و دانه دشمنان سعادت خود، مصون مانی.

مدیر

نشر راه نیکان

۱۱ / فروردین / ۱۳۹۱

فهرست

پیش‌نوشتار.....	۱۳
پیرامون نام رساله حاضر.....	۲۱
چرائی و چگونگی گرایش انسان به باطل.....	۲۶
معتبرترین منبع در شناخت ابلیس و شیطان.....	۳۳
ابلیس.....	۳۳
نتیجه‌گیری ما از مباحث پیرامون ابلیس و شیطان.....	۴۳
شیطن‌گرایی.....	۴۵
شیطن‌گرایی نتیجه رواج شیطان‌پرستی.....	۴۸
مشترکات شیطن‌گرایی و شیطان‌پرستی.....	۵۱
ابزار جذب نیروی شیطن‌گرایان.....	۵۵

- ۱- نمادسازی ۵۷
- ۲- عبور از ارزش‌های دینی ۵۸
- ۳- موسیقی ۵۹
- ۴- نقش اینترنت در ترویج باورهای گروه‌های شیطنانی ۶۱
- ۵- استفاده از فیلم‌های هالیوودی ۶۳
- ۶- علل گرایش به گروه‌های شیطنانی ۶۵
- ۷- حس شیطنت‌گرانی پیامدهای عملکرد شیطان‌پرستان ۶۷

پیش‌نوشتار

امروزه پرداختن به مسائل و نقش او در عالم، همه جا کانون توجه است. زیرا شیطان پرستان هر کجا معرکه‌ای به راه انداخته‌اند محل آسایش و آرامش خانواده‌ها شده‌اند.

به هر روی شیطان معمولاً در جریانات حجم زیادی از گفتگوها و تالیفات را پوشش می‌دهد. از جمله مباحثی که در ارتباط با پررنگ تبلیغ می‌شود، نگرشی جدید، به «شیطان» است. این نگرش از آن جا که به عنوان یک مسئله در کتب اهل تصوف و ... به بحث گرفته شده، نیاز به بررسی و نقد دارد. در کنار آن، تبیین بیش قرآنی و

روایی - ضروری است. که عده‌ای از منحرفان این نگرش را به حساب متون اسلامی گذاشته‌اند؛ برای نمونه مؤلف کتاب «موجودات غیرارگانیک» می‌نویسد: «برای به وجود آمدن چرخه جهان دوقطبی - نظام بر مبنای قانون تضاد - وجود عامل تضاد، ضرورت داشت و برای این منظور، ابلیس به فرمان سجده بر آدم اعتنا نکرده این وظیفه را انجام نداد.»^۱ مذهب‌گویان که سعی داشته و دارند برای بی‌ربط‌گویی‌ها و دعاوی بی‌پایه و اساس خود دلیلی یا پناهگاهی داشته باشند - که شاید بتوان گفت صوفیه از جمله آغازکنندگانند - این تسرد را اطاعت واجب الهی را ملاک قرار داده، ساختند: «شیطان اول موحد عالم است، چون به غیر خدا اصلاً سجده نکرد». عجیب‌تر این ادعاست که مدعی شده‌اند: «خداوند به ابلیس مأموریت داد که به فرمان سجده بر آدم اعتناء نکند و او نیز این مأموریت را پذیرفت.»^۲ این ادعا از ناحیه هرکس گفته یا نوشته شود، اسلامی نیست؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى

وَ اسْتَكَبَّرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ^۱ یعنی «و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنید، همه سجده کردند، مگر ابلیس که ابا کرد و از کافران گردید».

... که گرفتار انواع انحرافات شده‌اند، نوشته‌اند: «خدا با خلقت آدم، خواست شیطان را آزمایش کند. اگر شیطان سجده می‌کرد، خداوند به او می‌گفت مگر به تو نگفتم به غیر من سجده نکن. عجب تر این ادعای ... است که می‌گویند: «پس تبعیت نکردن از فرمان سجده، در ظاهر نافرمانی است و اگر نافرمانی نبود تضادی هم نبود؛ اما در عین حال، فرمانبرداری است»^۲.

از گوینده یا نویسنده این خیالات و اراجیف که برای اثبات ... ساخته و می‌سازند، این است: «به راستی در کجا آمده که خدا قبل از دستور سجده بر آدم، به ابلیس لعین دستور سجده نکردن بر غیر من داده است؟ علاوه در کدام حدیث یا آیه وارد شده که امر به سجده بر آدم - که خطاب به همه ملائکه بود - فقط برای امتحان شیطان بوده است؟ مهم‌تر از آنکه ...

منبع آمده است که شیطان یک مأموریت قبلی از خداوند دریافت کرده بود که در نتیجه بعد از دستور عام «اسجدوا» شیطان می‌نایست دستور قبلی را اصل و اساس قرار دهد و از دستور دوم سرپیچی کند؟ و این سرپیچی نه فقط برای شیطان معصیت به حساب نیاید بلکه این سرپیچی نشان از کمال توحید برای شیطان باشد؟

اگر قرآن را ملاک قرار دهیم، در زمینه سجده ملائکه بر آدم، فقط یک امر وجود داشت و آن هم امر «اسجدوا» است؛ و مخاطب هم همگان بودند. علاوه سجده بر آدم عین توحید بوده چرا که خداوند به آن امر فرموده بود.

اینان اعم از صوفی و غیر صوفی ترجیه نداشته‌اند با چنین بافته‌های خیالی گناه تمرد ابلیس لعین رحیم را به گردن خدا می‌اندازند. و این که سجده نکردن ابلیس را نقشه خدا معرفی می‌کنند و در عمل، کار ابلیس را از دیگر ملائکه برتر نشان می‌دهند.

این در حالی است که قرآن کار دیگر ملائکه را با تعظیم و تجلیل و تمجید یاد می‌کند و سرپیچی ابلیس را ناشی از تکبر

دانسته، رجیم بودن، رانده شدن ابلیس را به خاطر نافرمانی می‌داند؛ چنانکه حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ابلیس از روی حسد امتناع کرد و به جهت شقاوتی که بر ابلیس چیره شد، خداوند او را لعن کرد و از صف فرشتگان خارج ساخت، ملعون و شکست خورده به زمین پایین آورد و به همین سبب از آن زمان به بعد دشمن آدم و اولاد او شد.»^۱ در تائید کلام حضرت امام صادق علیه السلام، قرآن به موضوع مهمی در مورد سجده نکردن ابلیس اشاره دارد، وقتی ابلیس را مورد سؤال قرار می‌دهد که چرا سجده نکرد؟ جواب می‌دهد: «لَأَجِدَ بَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ»^۲ من هرگز به بشری که از گل آفریده شده سجده نمی‌کنم. در جای دیگر ابلیس برای دفاع از عصیان‌گری خود به قیاس باطنی چنگ زده، خود را به دلیل این که از آتش به وجود آمده و حضرت آدم علیه السلام از خاک، برتر دانسته^۳ از سجده خودداری کرد. علاوه خداوند متعال کار ابلیس را در آیه

۱- احتجاج طبرسی: ۲۰۳/۲ ۲- سوره حجر: آیه ۳۳

۳- سوره اعراف: ۱۲ «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»

«إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۱ دلیل سجده نکردن او بر حضرت آدم علیه السلام را استکبار معرفی می‌کند، نه مأمور بودن او، و اینکه قرآن عمل سجده نکردن ابلیس را کفر دانسته است و نیاز به تذکر ندارد که گفته شود کفر با موحد بودن قابل جمع نیست.

در آیه دیگر که می‌فرماید: «فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ»^۲ کار ابلیس را فسق می‌شمارد، نه انجام مأموریت و در آیه دیگر ابلیس را از حقارت‌شدگان رانده از درگاه خداوند متعال معرفی می‌کند، که خطاب پر عتاب «فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ»^۳ براو رده شده است و به همین دلائل کفر آور، حضرت حق خود ابلیس را لعن کرده^۴ و لعن کردن او را چون رانده درگاه است، وظیفه اهل ایمان نبوده، که از ناحیه معصومین علیهم السلام نیز به آن سفارش‌ها شده است.

بنابراین تعبیراتی هم چون فسق، کفر، عصیان، رجیم، ملعون، صاغر، استکبار که قرآن در مورد ابلیس به کار برده است، برده از

۲- سوره کهف: آیه ۵۰

۱- سوره بقره: ۳۴

۳- سوره حجر: ۳۴

۴- وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ (سوره حجر: آیه ۳۵)

روی انگیزه ابلیس برمی‌دارد و کوچک‌ترین قرابتی با آنچه صوفیه و غیره از اتباع مسلک‌های استعماری معاصر، مانند عرفان حلقه، در زمینه تبرئه ابلیس بافته‌اند تا شاید مسأله تمرد او را نوعی دستور الهی وانمود نمایند، سنخیت ندارد.

اشاره به مهملی که نباید از کنار آن بدون تذکر گذشت، ضروری به نظر می‌رسد که چرا خداوند دستور سجده بر غیر خود را داده است؟

نخست باید توجه داد برخلاف شخصیت‌سازان برای ابلیس که سعی داشته و دارند از دستور سجده به غیر خدا سوژه‌سازی کرده، مردم عوام و ناآگاه را سرگرم سازند تا راحت‌تر به دام افتند، سجده بر آدم از آن جا که دستور خود خداوند بود، نه فقط تنافی با توحید ندارد، بلکه عین توحید است. سجده بر آدم، نه سجده بر مشتی خاک، بلکه سجده بر روحی الهی بود که خداوند در او دمیده بود. در حقیقت سجده بر تطور و شأن الهی بود که در کالبد آدم تجلی کرده بود.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مگر سجده بر غیر خداوند صحیح است؟ فرمود: نه. پرسید: پس چگونه فرشتگان را امر

به سجده‌ی آدم کرد؟ فرمود: به درستی هر که به دستور خداوند سجده کند، در اصل خدا را سجده کرده؛ پس سجده او اگر در پی دستور حضرت حق باشد، همان سجده خدا است.^۱ در کتاب شریف «عیون اخبار الرضا» از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در مورد سجده ملائکه بر آدم آمده است که حضرت شان فرموده‌اند: «كَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ تَعَالَى عِبُودِيَّةً وَ لِأَدَمَ إِكْرَاماً وَ طَاعَةً، لِكُونِنَا فِي صَلْبِهِ» سجده فرشتگان از یک سو پرستش خداوند و عبودیت او بود و از سوی دیگر اکرام و احترام آدم بود؛ چرا که ما در صلب آدم بودیم.

جرم‌ش این بود که در آینه عکس نوندید

ورنه بر بوال‌بشری ترک سجود این همه نیست

خاک پای شیعیان

سید ملک محمد مرعشی

۱۶- اردیبهشت - ۱۳۹۱